



هویت، عدالت، و شکل‌گیری نظام عادلانه‌ی سیاسی: از نظر ارسطو و مایکل والزر

معزالدين جاباغانی تیموری

وضعیت نمایه سازی	:	فیبا.
شماره کتابشناسی ملی	:	۳۸۷۰۱۹۹
شابک	:	۹۷۸-۶۰۰-۹۵۵۲۹-۳-۱
عنوان و نام پدیدآور	:	هویت، عدالت و شکلگیری نظام عادلانه‌ی سیاسی از نظر ارسطو و مایکل والزر [منابع الکترونیکی: کتاب] / معزالدین باباخانی تیموری.
وضعیت نشر	:	تهران: موسسه نگارش الکترونیک کتاب، ۱۳۹۴.
مشخصات ظاهری	:	۱ منبع برخط (۱۶۵ ص.)
یادداشت	:	دسترسی از طریق وب.
توصیفگر	:	ارسطو، ۳۸۴ - ۳۲۲ ق. م. والتسر، مایکل، ۱۹۳۵ - م. Walzer, Aristotle Michael
توصیفگر	:	هویت عدالت سیاست نظام های سیاسی
شناسه داده	:	باباخانی تیموری، معزالدین، ۱۳۵۰ -
دستی و اصل الکترونیکی:	:	www.manaketab.com

هویت، عدالت و شکل گیری نظام عادلانه سیاسی از نظر مایکل والزر و ارسطو

میراندن باباخانی تیموری

موسسه نگارش الکترونیک کتاب

آدرس: فرمانیه، کامرانیه خنجر، کوچه بیات، پ۲۵.

تلفن: ۲۴۴۹۰۲۲۰

نوبت چاپ: اول ۱۳۹۵

قیمت: ۱۴۰۰۰۰

تیراژ: ۱۰۰

شماره ثبت: ۱۳۹۷۶۸۵

شابک: ۹۷۸-۶۰۰-۹۵۵۲۹-۳-۱

چکیده:

مسئله‌ی مهم که در این پژوهش در نظر گرفته شده است، نسبتی است که بین هویت و عدالت و نظام سیاسی برقرار می‌گردد. این مسئله که ما انسان‌ها که هستیم، مهم است، لذا مفهوم هویت در این پژوهش به‌عنوان متغیر مستقل در نظر گرفته شده است. و بعد از این که بررسی نمودیم که هستیم و چه هستیم، چگونه باید انسان‌ها با یکدیگر رابطه داشته باشند تا بتوانند به‌خوبی زندگی کنند، لذا برای پاسخ به این سؤال متغیر وابسته‌ی «عدالت» در نظر گرفته شد. و این که آیا نظام سیاسی در شکل‌گیری بسترها و مبنای عادل بودن انسان خوب و شهروند خوب نقش دارد یا خیر، به شکل‌گیری نظام عادلانه و عدالت پرداخته شد است.

در اندیشه‌ی ارسطو و والزر، مفاهیم مشابهی وجود دارد، از مفاهیمی که در هر دوی این متفکران مشابه است می‌توان به این‌ها اشاره کرد: ۱. خیر اجتماعی، ۲. فضیلت اجتماعی، ۳. زندگی خوب، ۴. نظام عادلانه‌ی سیاسی مبتنی بر جمهوری. نکته‌ی قابل‌تأمل و قابل‌بررسی آن است که این مفاهیم در لفظ مشابه هستند و از لحاظ درونی تحول یافته‌اند. برای مثال، در تفکر ارسطو، مفهوم «خیر اجتماعی» در بستری به نام پولیس شکل می‌گیرد و انسان در پولیس به سعادت می‌رسد. در والزر، هم عضویت در گروه اجتماعی و تعاملی که فرد با گروه انجام می‌دهد، نقش بسیار مهمی دارد، اما از آن‌جا که والزر خیرهای اجتماعی را در بستر زمانی و مکانی بررسی می‌کند، توزیع خیرهای اجتماعی مرتبط با زندگی روزمره است و در زندگی روزمره تجربه‌ی زیست فرد نقش زیادی دارد، لذا والزر در هر حوزه‌ای از زندگی قائل به خیر اجتماعی خاص است که آن خیرها از نظر والزر خصلت کاملاً اجتماعی، غیرمتمایزیکی، خاص و جزئی دارند.

نوع برابری ارسطویی، برابری مطلق نیست و برابری ارسطویی مدنی، برابری و مبتنی بر پیش‌فرض‌های خاص خودش است. مطابق نظر والزر، برابری ارسطویی مبتنی بر «برابری ساده» است. اما در والزر هم برابری مطرح است، منتها نظام برابری‌اش که والزر بیان می‌کند، مبتنی بر برابری پیچیده است، و این برابری مبتنی بر تجربه‌ی زیست افراد در گروه‌های اجتماعی است. از نظر والزر، در «برابری ساده» سلطه و انحصار وجود دارد، همچنین توزیع منابع مطابق «عدالت توزیعی» صورت می‌گیرد، اما در برابری پیچیده «سلطه» و «انحصار» وجود ندارد، و در این نوع از برابری، فرد می‌تواند وارد جامعه‌ی مدنی شود و همچنین می‌تواند در تصمیمات سیاسی شرکت کند، آن هم بدون هیچ‌گونه سلطه و انحصاری. البته والزر مکانیسم‌های خاصی را در مورد جامعه‌ی مدنی و نظام سیاسی که

مبتنی بر «دموکراسی مشورتی» و «جمهوری» است، به دست می‌دهد. در برابری پیچیده، برخلاف برابری ساده، منشأ ارزش‌ها مبتنی بر تجربه است و لذا متفاوت است.

مسئله‌ی قابل تأمل در ارسطو و والزر این است که سیاست و اخلاق از همدیگر جدا نیستند و مبنای سیاست اخلاق است و هرگونه عمل غیراخلاقی و غیر عقلانی مورد «نقد» قرار می‌گیرد. هویت در ارسطو مرتبط است با مفهوم «نفس». ارسطو نفس انسانی را مبتنی بر «عقل» یا «لوگوس» می‌داند که با «نوس» مرتبط است. در والزر نیز هویت مبتنی بر عضویت در گروه شکل می‌گیرد و این عضویت می‌بایست «عقلانی» باشد و شکل‌گیری نظام سیاسی در ارسطو و والزر مبتنی بر عقل است. و عقل در شکل‌گیری نظام سیاسی نقش اصلی دارد.

واژگان کلیدی: هویت، عدالت، نظام سیاسی، برابری، ارسطو، مایکل والزر، کنش، فضیلت، برابری پیچیده.

فهرست مطالب

۱	طرح مسئله.....
۳	روش این پژوهش.....
۳	سؤال اصلی.....
۳	فرضیه‌ی پژوهش.....
۳	نوآوری‌های این رساله عبارت‌اند از.....
۴	ادبیات مؤثره.....
۷	فصل اول.....
۷	کلیات.....
۷	۱-۱- مقدمه.....
۸	۱-۱-۱- سیر تحول مفهوم هویت.....
۱۶	۱-۱-۲- مفهوم عدالت.....
۲۴	۱-۱-۳-۵- نظام سیاسی یاسیر تحول، ماهیت دولت.....
۴۱	۲-۱- روش‌شناسی.....
۴۱	۱-۱-۴-۱-۲- مقدمه.....
۵۳	فصل دوم.....
۵۳	هویت، عدالت و.....
۵۳	شکل‌گیری نظام سیاسی.....
۵۳	از نظر ارسطو.....*
۵۳	- مقدمه.....
۵۶	۵-۱-۱-.....
۵۶	۶-۱-۱- نفس در آثار دوره‌ی اول ارسطو.....
۵۸	۷-۱-۱- مفهوم نفس در آثار دوره‌ی دوم ارسطو.....

۵۹	۸-۱-۱- مفهوم نفس در آثار دوره‌ی سوم ارسطو
۶۰	- ویژگی‌های نفس
۶۸	۹-۱-۱- فضائل و عدالت از نظر ارسطو
۷۰	۱۰-۱-۱- هویت سیاسی از نظر ارسطو
۷۲	۱۱-۱-۱- نسبت هویت با عدالت و شکل‌گیری نظام سیاسی مطلوب
۷۵	۱۲-۱-۱- کاربرست انواع نسبت‌ها
۷۹	- نتیجه‌گیری

فصل سوم..... ۸۴

هویت عدالت و شکل‌گیری..... ۸۴

نظام سیاسی از نظر مایکل والزر..... ۸۴

۸۴	۱-۳- مقدمه
۸۵	۲-۳- وجه فردی هویت مدرن
۸۶	۴-۳- وجه اجتماعی هویت مدرن
۸۷	۵-۳- وجه سیاسی هویت مدرن
۸۸	۶-۳- هویت از نظر والزر: هویت چند لایه با نقد لایه سیاسی
۸۹	۷-۳- خیرهای اجتماعی؛ برابری پیچیده
۹۴	۸-۳-۱۳-۱- پلورالیسم (تکثرگرایی)
۹۵	۹-۳- عضویت
۹۷	۱۰-۳- نقد
۹۹	۱۱-۳- اخلاق
۹۹	۱-۱-۱۴-۳-۱- رهیافت کشفی نسبت به فلسفه‌ی اخلاق
۱۰۰	۲-۱۱-۳-۱۵-۱- رهیافت کشف در دوره‌ی اسطوره‌ای
۱۰۰	۳-۱۱-۳-۱۶-۱- رهیافت کشف در دوره‌ی ارسطو
۱۰۱	۴-۱۰-۳-۱۷-۱- رهیافت ابداع
۱۰۱	۵-۱۱-۳-۱۸-۱- رهیافت تفسیری به فلسفه‌ی اخلاق
۱۰۲	۶-۱۰-۳-۱۹-۱- عدالت و قانون از نظر والزر
۱۰۵	۲۰-۱-۱
۱۰۵	۸-۱۰-۳-۲۱-۱- خیرهای اجتماعی و عدالت
۱۰۵	۹-۱۰-۳-۲۲-۱- اولویت‌بندی خیرهای اجتماعی از نظر والزر

- نظام سیاسی مطلوب یا دموکراسی مشورتی..... ۱۱۱
- ۱-۱-۲۳-۱۱-۷- نسبت بین هویت، عدالت و نظام سیاسی از نظر والزر..... ۱۱۷
- ۱-۱-۲۴-۱۱-۸- نسبت بین هویت و عدالت اجتماعی..... ۱۱۷
- ۱-۱-۲۵-۱۱-۹- نسبت بین عدالت و نظام سیاسی یا دموکراسی مشورتی..... ۱۱۸
- ۱-۱-۲۶-۱۱-۱۰- نسبت بین هویت و نظام سیاسی یا دموکراسی مشورتی..... ۱۱۹
- ۱۲-۳- نتیجه‌گیری والزر..... ۱۲۰

۱-۱-۲۷- تأملاتی چند در باب هویت، عدالت و شکل‌گیری

۱۲۱

نظام سیاسی از نظر "ارسطو" و "مایکل والزر"

- نتیجه‌گیری..... ۱۳۹
- هویت..... ۱۴۰
- فضیلت عدالت..... ۱۴۴
- نظام سیاسی..... ۱۴۵
- فهرست منابع رماند..... ۱۴۹
- الف) منابع فارسی..... ۱۴۹
- ب) منابع لاتین..... ۱۵۶
- کتاب‌ها..... ۱۵۶
- Abstract:..... ۱۶۹

طرح مسئله

هویت در اندیشه سیاسی از جایگاه مهمی برخوردار است، زیرا هنگامیکه با مساله هویت مواجه میشویم، به نوعی با تفکیکی به نام "خود" و "دیگری" مواجه می شویم. و در چنین هنگامی است که برای برقراری تعادل بین خود و دیگری با مساله چگونگی تعادل بین این دو مفهوم گفته شده مواجه میشویم، و با مساله عدالت روبرو میگردیم بنابراین،

عدالت در اندیشه‌ی سیاسی از جایگاه والایی برخوردار است و می توان گفت عدالت با اندیشه‌ی سیاسی عجین است. در سیر تاریخی بحث عدالت، می توان آن را حرکت از میتوس به لاتوس دانست. به این معنا که در دوره‌ی پیشافلسفه و شعر که شامل سه دوره‌ی شعر حماسی، شعر غنائی و شعر نمایشی می شود، موضوع از هویت شروع می شود و از هویت به عدالت می رسیم. در ایلید و ادیسه‌ی هومر، هنوز خود شکل نگرفته و خود نیاز بیرون است. برای مثال، در ایلید هومر عدالت در جنگاوری و پهلوانی شکل می گیرد. خضر عیار پولیس براساس کلی که بیرون از من است و دور از من است تعریف می شود و متعاقب آن عدالت نیز سویی بیرونی دارد و در جنگاوری و پهلوانی مستتر است. در دوره‌ی شعر غنائی، هویت در لحظه تعریف می شود و متعاقب آن عدالت جنبه‌ی حسی دارد. در دوره‌ی شعر نمایشی، عدالت جنبه‌ی درونی دارد. هویت در اندیشه‌ی کلاسیک جنبه‌ی جمعی دارد. متعاقب آن عدالت نیز ابتدا از بالا داده می شود و به آن تمیس می گویند. سپس عدالت در بین انسان ها شکل می گیرد و به آن «دیکه» می گویند. هویت در دوره‌ی کلاسیک کلاسیک جنبه‌ی ذات گرایانه دارد و در بافت جمعی مطرح می شود. از سوی دیگر، برای فیلسوفان طبیعت می از جمله طالس آب و نموده‌ای طبیعی نقش زیادی دارد و عدالت را مرتبط با طبیعت در نظر می گرفتند. بحث عدالت در جمهور افلاطون نیز مطرح است. در اوایل همپرسه جمهور، مناظره‌ی سقراط با تراسیماخوس، کفالوس و پلیمارخوس آمده است که سقراط عدالت را بسیار جزئی می داند و نمود عینی آن را در پولیس در نظر می گیرد. برای مثال، شجاعت و فضیلت را عدالت می داند. افلاطون معنای عدالت را از طریق اعمال آن بر سه طبقه‌ی فیلسوف، حاکمان و پاسداران در نظر می گیرد. سپس افلاطون عدالت را رسیدن به عالم مثل و سپس برگشت و اعمال آن در پولیس می داند. ارسطو عدالت را

از هست‌ها آغاز می‌کند و در شکل‌گیری عدالت ارسطو علت‌شناسی بسیار مهم است و عدالت جنبه‌ی غایت‌محور دارد. ارسطو عدالت را هم تبیینی و هم جدلی مطرح می‌کند. اندیشه‌ی رواقی بر خلاف ارسطو که عدالت را در نابرابری بیان می‌کند از اندیشه‌ی بردگی ارسطو می‌رهد و راه را برای تساوی فطری آدمیان باز می‌کند و بعدها سیسرون با اتکا به رواقیون از برابری انسان‌ها سخن می‌گوید و عدالت اجتماعی را فضیلتی متعالی و متعلق به همه و به یک میزان معرفی می‌کند. در دوره‌ی قرون وسطی، عدالت جنبه‌ی پیشینی دارد، بر خلاف دوره‌ی کلاسیک که عدالت جنبه‌ی پسینی دارد. در قرون وسطی، عدالت با وحی و دین در نظر گرفته می‌شود و امری داده‌شده و کشفی در نظر گرفته می‌شود. برای مثال، آگوستین در کتاب شهر خدا مسئله‌ی عدالت را شرح می‌کند. در دوره‌ی رنسانس این جنبه‌ی کشفی کم‌رنگ می‌گردد و عدالت جنبه‌ی ابداعی می‌گیرد و به خود انسانی برمی‌گردد. به‌طور کلی می‌توان این تقسیم‌بندی را در صورتی عدالت به‌دست داد:

۱. در رویکرد کلاسیک «عدالت» با مفهوم «خیر» تعریف می‌شده است، ۲. در رویکرد فایده‌گرایی که مدرن است «عدالت» با «تفع» سنجیده می‌شود، ۳. در رویکرد دیگر «عدالت» و مسئله‌ی تبیین حق مطرح است که کانت، راولز، هایک، لاک و جان استوارت میل در این پارادایم هستند. ۴. در مارکسیسم، «عدالت» و مسئله‌ی طبقه و استثمار مطرح است، ۵. در رویکرد دیگر «عدالت» با «رویداد» در نظر گرفته می‌شود؛ در آثار اشخاصی مانند لویناس و آلن بدیو به این مسئله برمی‌خوریم.

مایکل والزر از اندیشمندان معاصر در زمینه‌ی عدالت است و او قائل به برابری ساده نمی‌باشد و قائل به برابری پیچیده است. عدالت مورد نظر والزر منوی برابری پیچیده است. منظور از برابری پیچیده‌ی والزر آن است که یک فرد را اجتماع موقعیت یکسان ندارد و موقعیت اشخاص متفاوت است. برای مثال، شخصی مداح است در جایی رئیس باشد، در جای دیگری پدر خانواده است و در جای دیگر عضو باشگاه ورزشی است. از دغدغه‌های والزر در مورد عدالت پیچیده می‌توان مسئله‌ی انحصار و منوولی بودن را ذکر کرد. از نظر والزر، این که همه‌ی اشخاص یکسان و برابر باشند، نتیجه‌ای در بر دارد و به تیرانی و خودکامگی و کل‌گرایی می‌انجامد. وی برابری پیچیده را بیان می‌کند که یک خیر کلی وجود ندارد، بلکه خیرهای گوناگون وجود دارد. وی عدالت را

در حوزه‌های مختلف و جزئی بحث و تحلیل می‌کند. والزر لیبرال کمینتاریسم است و روش وی مبتنی بر بافت یا زمینه (context) است، و مانند روش ارسطو غایت‌گراست. والزر در بیان مسئله‌ی عدالت از مارکس تأثیر گرفته است. مارکس در آثار خود که شامل دست‌نوشته‌ها، ایدئولوژی آلمانی و مانیفست کمونیسم است، دغدغه‌ی مسئله‌ی عدالت را داشت، منتهی مراتب عدالت مورد نظر مارکس مختص طبقه‌ی کارگر بوده است که به دیکتاتوری پرولتاریا می‌انجامد و عدالتی که وی مطرح می‌کند جنبه‌ی کلی و همه‌گیر دارد. مارکس هرگونه برابری را ختم به نابرابری می‌داند. وی در مرحله‌ی کمونیسم عدالت توزیعی را نفی می‌کند. اما مایکل والزر به‌خصوص در کتاب حوزه‌های عدالت آن را تقسیم و توزیع می‌کند و فهم هر شخص در رسیدن به عدالت مطرح است و حوزه‌های مورد نظر والزر می‌تواند جنبه‌های خصوصی و غیردولتی نیز داشته باشد و عدالت کی مارکس را در نظر ندارد. در واقع می‌توان گفت والزر راه سومی در پیش می‌گیرد که این راه برای طرح مسئله‌ی عدالت نه راه حل لیبرالیستی است و نه راه حل مارکسیستی.

روش این پژوهش روش تفحصی کارل اتو اپل است.

سؤال اصلی پژوهش عبارت است از: نظام عادلانه سیاسی در نزد ارسطو و مایکل والزر به چه صورت است؟

فرضیه‌ی پژوهش: نظام عادلانه سیاسی از نظر ارسطو و مایکل والزر عمدتاً از نوع هویت تأثیر می‌پذیرد

نوآوری‌های این رساله عبارت‌اند از:

۱. تاکنون همه‌ی پژوهش‌های انجام‌شده، عدالت را از ابعادی اقتصادی، فرهنگی و سیاسی بررسی کرده‌اند و در مورد رابطه‌ی میان هویت، عدالت و شکل‌گیری نظام سیاسی ارسطو و والزر پژوهشی انجام نشده است.

۲. بررسی تطبیقی و مقایسه‌ای در زمینه‌ی تحول مفاهیم در اندیشه‌ی سیاسی نظیر «هویت»، «عدالت» و «نظام سیاسی».

ادبیات موضوع:

در مورد نسبت بین سوال این پژوهش تا به حال مطلبی ارائه نشده است، اما در این قسمت اناری که به نحوی جداگانه در مورد این نسبتها مطالبی را بیان نموده اند بیان میگردد:

۱- در کتاب "ارسطو و سیاست مدرن"، مقاله ایی موجود است از "برنارد یاک" که در این مقاله مفهوم "اجتماع" از نظر ارسطو و کمینتاریستها مورد مطالعه قرار گرفته است. لفظ (κοινωνία) را ارسطو به صورت کلی در نظر می گیرد و ویژگی های اجتماع عبارتند از: ۱) از افراد متفاوت تشکیل شده است، ۲) اشخاص متفاوت فهم های متفاوت از خیرهای اجتماعی دارد، ۳) فعالیت های گوناگون انجام می دهند؛ ۴) اشخاص دارای تجربه های آگاهی متفاوت نسبت به خیرهای گوناگون هستند، که در اجتماع به فهم مشترک می رسند. (Bernard yack: 2002).

۲- در مقاله ایی به نام فرهنگ و دموکراسی که توسط "گراالد مارا" نگاشته شده است، مطالبی در مورد اصول حکومت این مطرح شده است.

وی استدلال می نماید که برای بررسی حکومت اتن می بایست از واقعیتهای موجود و تجربی آغاز نماییم، و ارسطو برای بررسی شیوه حکومت اتن "تاریخ" را در نظر گرفته است، در مورد شیوه حومت سولون و قبل از آن بیان نماید که آزادی شخصی یک مساله متضاد بوده است با حاکمیت سیاسی (Gerald m. mara: 314:2002).

ارسطو در این اثر ارتباط بین "نهاد" و "برابری" را در نظر می گیرد، در نظر وی نوعی برابری قبل از ایجاد قوانین وجود داشته است، و در این نوع از برابری تفاوتها و اعتماد اجتماعی در نظر گرفته می شد.

ارسطو بیان مینماید که "اصل تفاوت" در مورد شیوه حکومت می بایست در نظر گرفته شود، و نهاد سیاست میبایست حوزه های متفاوت را در اجتماع در نظر بگیرد. (Gerald.m.mara: 317:2002).

۳- فرد میلر در مقاله ای "خود مختاری ارسطویی" بیان مینماید: عقل عملی مانند چشم است برای نفس، و ارتباط بین "هویت" و "سیاست" را در رسیدن به امر مشترک که "سعادت" است می توان بررسی نمود. شخص برای رسیدن به سعادت تلاش نماید، و عمل سیاسی مبتنی بر تجربه آگاهی عمومی است، که غایت آن "سعادت" است، و خود سعادت نوعی عمل عادلانه است، که شخص فضیلتمند آن را انجام می دهد. (Fred.d.miller.j.r.389:2002).

۴- در کتاب "تکثر گرایی؛ عدالت؛ برابری"، در مقاله ایی که توسط "رؤف کارن" مطرح شده است، به نام "پیچیدگی، فرهنگ، سیاست و اجتماع" بیان میدارد که:

عدالت ساخته انسان است، و برای بررسی مساله عدالت می بایست "تمایزها" و "ناوتهای" اشخاص " در نظر گرفته شود. از نظر این مقاله تئوری عدالت والزر مبتنی بر چهار بایستی است: (۱) دولت حداقلی و رفاهی، (۲) سیاست تفاوت، (۳) دموکراسی تفکیک اجتماعی، (۴) در نظر گرفتن تاریخ و فرهنگ، (۵) توجه به معنا و امور درونی علاوه بر امور بیرونی. (JOSEPH CARENS:1996"58-60).

۵- در مقاله ایی از "جان الستر" به نام "عدالت، تجربه برای عدالت" سه اصل اساسی در مورد عدالت والزر ی بیان شده است:

(۱) اصل توفیق؛ (۲) اصل تفسیر؛ (۳) اصل هنجارمندی. در اصل توصیف برداشت هر شخص از مساله عدالت ملاک است. و توصیف در جهت شفاف سازی است، و از طریق توصیف شخص به تبیین میرسد و بعد از تبیین به فهم و تجربه آگاهی (تفصیل) و سپس به فهم مشترک و هنجارمندی میرسد. از نظر والزر "نقدی" در جهت رسیدن به هنجارمندی است. (JON ELSTER:1996:81).

۶- امی گوتمان در مقاله ایی به نام "عدالت در میان حوزهها" بیان می کند که برابری پیچیده مبتنی بر

واگرایی و تفاوت در خیرهای اجتماعی است و هر خیر اجتماعی مشتمل است با خیرهای اجتماعی. برای مثال امنیت، رفاه، پول، کالا، مناصب اجتماعی، اوقات فراغت، تحصیلات، قدرت سیاسی هر کدام شامل عرصه های عدالت هستند، و هر حوزه

تنظیم می شود به وسیله خصوصیات منحصر به فرد خود که مبتنی است بر معنای اجتماعی در مورد خیرهای اجتماعی.

والزر عدالت را در حوزه های گوناگون مورد بررسی قرار میدهد؛ و عدالت مبتنی است بر تفاسیر مختلف اشخاص و رسیدن به فهم مشترک که برابری پیچیده را در بر میگیرد. (AMY GUTMANN:1996:99)

www.ketab.ir